بسم الله الرحمن الرحیم

# مقدمه

در بحث وظایف آموزشی خانواده و پدر و مادر ابتدا به روایاتی اشاره کردیم، ولی بعد عرض کردیم که ابتدا مناسب است که آیات را بحث کرده و بعد مجموعه روایات باقی‌مانده را در ادامه بحث خواهیم کرد. در مورد آیات؛ آیه شریفه «**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ ناراً»** موردبحث قرار گرفت و دومین آیه هم آیه شریفه «**وَ أتمرُوا بینَکم بمعروفٍ»** (طلاق/6) در خطاب به زن و مرد بود كه اين آیه، آیه شش سوره طلاق بود و در آن جهاتی از بحث وجود داشت تا مفاد آیه و ابعاد و حدود دلالت آیه در وظایف پدر و مادر روشن بشود. جهت اول در مفهوم ائتمار بود، جهت دوم در مفهوم معروف و جهت سوم در باء در بمعروف و جهت چهارم بینکم بود، البته جهت سوم و جهت چهارم هم بینکم بود. این سه مطلبی بود که در جهت اولی بود.

گفتیم که جهاتی از بحث در آیه هست، مثلاً جهت اول مفردات و مفاهیم آیه بود كه در این جهت اول، چهار بحث بود: ائتمار، معروف و باء در بمعروف و نيز بینکم. این­ها جهاتی بودند که چهار نکته و بحث در جهت مفردات آیه بود. جهت دوم این بود که ائتمار آیا موضوعیت دارد، یا طریقیت دارد که گفتیم تشاور دو وجه دارد: یا اینکه اصل آن تعامل است که این هم دو وجه برایش ذکر کردیم و جهت سوم این بود که آیا مراد در تشاور و تعامل بین این زن و شوهر، اختصاص به رضاع دارد، یا اینکه مطلق است؟

گفتیم بحث آیه قبل و بعد این جمله شریفه بحث رضاع هست:

«**وَ إِنْ كُنَّ أُولاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ أْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَ إِنْ تَعاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرى‏». (طلاق**/6) گفتيم این آیه دو احتمال دارد:

یک احتمال این بود که اين امر اختصاص دارد به تشاور در باب بچه و یا در شئون تربیت بچه و در محدوده و متعلق این امر به تعامل و تشاور هم چند احتمال وجود دارد، از جمله این احتمالات این است كه اين تشاور تنها در خصوص رضاع باشد و احتمال دوم هم این بود كه در همه شئون تربیتی و جسمی و آموزشی فرزند باشد.

# احتمال سوم

اینکه از این هم بالاتر و در همه روابط میان زن و مرد باشد.

 ابتدائاً هر سه احتمال هست «**وَ أتمرُوا بینَکم بمعروفٍ**»؛ یعنی در خصوص رضاع شما مشورت بکنید و به نیکی با یکدیگر همکاری بکنید که این بچه از مادر شیر بخورد و به خوبی از نظر جسمی و رضاع رشد بکند. این احتمال اول است.

احتمال دوم این است که در مطلق شئون فرزند است؛ یعنی در آنچه که باید به او برسد؛ ازلحاظ تربیتی و ادب و خوبی­ها و نیکی­ها، در آن تعامل و همکاری بکنید و در آنچه که برای او معروف و نیک و پسندیده است و مایه رشد و سعادت اوست توافق كنيد.

احتمال سوم را هم كه گفتيم فراتر از بحث فرزند باشد؛ یعنی خودتان با هم در سایر شئونی که بین شما و زنتان هست، خوب تعامل بکنید. زن مطلقه است و شئون دیگر هم دارد، مثلاً صداقش را درست بدهد و ...

این سه احتمالی است که در اینجا وجود دارد. گفتیم تنها وجهی که برای اختصاص این جمله به احتمال اول وجود دارد، همان قرینیت سیاق است که در قبل و بعد آیه، بحث رضاع مطرح است و هیچ وجه دیگری ندارد؛ زیرا آیه دارد «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**» که خطاب بینشان واقع شده و می­گوید که در خوبی­ها تشاور و تعامل بکنید و یا به نحو خوب با هم تعامل و تشاور بکنید و اما متعلق در اینجا ذکر نشده و اطلاق دارد، هم در شأن رضاع است و هم در شئون دیگری است که به‌هرحال پدر و مادر به بچه از جهت مختلفی برسند و هم روابط خودشان اینکه مثلاً مرد نفقه زن را بدهد و امثال این­ها، پس آیه «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ»** اطلاق دارد و هر معروفی را در رضاع بچه و در شئون دیگر بچه و یا در روابط خود زن و مرد شامل مي­شود.

# نظر استاد (حفظه الله)

ما قرینیت سیاق را خیلی قبول نداریم، البته بحث مبسوط آن در اصول وجود دارد، ولی فعلاً این را اصل می­گیریم که خیلی این قرینیت سیاق برای تخصیص و این­ها قابل‌قبول نیست و مورد مخصص نیست و آیه **«وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**» یک قاعده کلی است كه به زن و مرد خطاب می­کند، منتهی موضوعش زن و مردی هستند که طلاق بینشان اجرا شده است.

## قيود معروف

آنچه که معروف است، دو قید دارد: یکی زن و مردی که طلاق دادند و زن و مردی که در دوره طلاق یک موضوعاتی مطرح است و این دو قید وجود دارد. موضوعاتی که مطرح است، رضاع بچه و شئون دیگر او است و نفقه خود زن است که باید بدهد و وقتی که می­خواهند راجع به بچه مشورت بکنند، بايد اخلاق را در این امر رعایت بکنند و لذا قیدی که دارد همین اندازه است؛ یعنی در محدوده­ای که بین زن و مرد مطلقه و مطلق زن و مردی که طلاق بینشان واقع شده، یک روابطی بینشان متصور است، هم در ارتباط میان خودشان و هم در ارتباط با فرزندشان در چهارچوب مشروع و تا وقتی که بچه­ای در کار است، اختصاص به رضاع هم ندارد؛ یعنی می­خواهیم بگوییم بعد از اینکه بچه شیر هم خورد، در دوره بالاتر هم یک چیزهایی برای این­ها اتفاق می­افتد که این­ها باید با هم تعامل بکنند. این بچه می­خواهد پدر و مادرش را ببیند و می­خواهد ازدواج بکند و خیلی چیزهای دیگر انجام بدهد که در خیلی جاها این دو نفری که از هم جدا شده­اند، بايد با هم یک تفاهمی داشته باشند. ما می­گوییم این احتمال سوم است و فقط در همان محدوده­ای است که شما می­گویید و نمی­گوید که با خوبی رفتار بکنید. مثل «عاشِروهُنَّ بمعروفٍ» که در خانواده دارد که آن خوبی خیلی با این متفاوت است، بنابراین اگر ما سیاق را قرینیت خاصه ندانیم و مورد را مخصص ندانیم ـ کما اینکه نظر درست هم همین است و بحث کبروی‌اش در اصول است كه وارد آن نمی­خواهیم بشویم ـ آن وقت این آیه را تعمیم می­دهیم و اين همان احتمال سوم است، منتهی در چهارچوب آنچه که متصور است و بین زن و مردی است که از هم جدا شده­اند، منتهی فرزند مشترک یک علایقی بین آن‌ها ایجاد می­کند و این لازمه اطلاق «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**» است و آیه درست است و قبل و بعدش هم رضاع است، ولی قبل و بعد احکام دیگر، با یک کمی فاصله است، مثلاً در دوره حمل نفقه زن را بايد بدهد و او را آزار ندهد.

# نتيجه

«**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**»؛ یعنی اگر بخواهیم تحلیل تربیتی نظامی به این بدهیم، باید بگوییم که آیه­ای داریم مثل «**عاشِروهُنَّ بمعروفٍ**» که معاشرت بمعروف در چند جای قرآن آمده است و این تعابیر براي زن و مردی است که با هم هستند و در یک خانه زندگی می­کنند. در آنجا می­گوید مبنای شما باید معاشرت بمعروف باشد. یک اصل هم داریم كه بعد از طلاق است برای آن‌هایی که بچه دارند، مانند **«وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**» که مدلول مطابقی اين آیه مربوط به خطاب به زن و مردی است که در مقام طلاق هستند، اگر این را بگوییم، همه شئون فرزند و حتی چیزهای دیگری که مستقیماً مربوط به فرزند نیست، ولی عملاً تأثیر در آن دارد، مطرح می­شود؛ یعنی ما همه روابط میان زن و مرد که به نحوی به روابط فرزندشان هم ارتباط دارد، می­گویم شامل می­شود.

## جهت چهارم

جهت چهارم این است که آیا این اختصاص به دوره و زمان رضاع دارد؟ و یا اینکه بعد از شیردهی هم بحث­های دیگری مطرح مي­شود که به نحوی با این­ها ارتباط پیدا می­کند؟

## جواب

به نظر می­آید که اینجا هم می­شود به اطلاق قائل شد و لذا «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ»** شامل آن دوره بعد هم می­شود، البته با ملاحظه احکام دیگري مثل حضانت.

حق حضانت می­گوید برای دختر بعد از هفت سالگی و يا نه سالگی ادامه دارد و یا چند قول در اينجا وجود دارد که مشهور همان هفت سال است که مسائل حکومتی و ولایی است و برای پسر هم دو سال و کمتر است و در همان چهارچوب حقانت و حق نفقه و این آیه اين چهارچوب­ها را نفی نمی­کند.

## شموليت آیه بر دوره­ بعد از رضاع

آیه «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**»، علاوه بر دوره رضاع، شاید شامل دوره­های بعد ـ در آنچه که به سرنوشت طفل مؤثر است ـ هم بشود و عرفاً نیاز به تعامل این زن و مرد است كه اگر جزء حق خود پدر و یا مادر باشد خوب معلوم است ولی چیزهایی است که نیاز به تعامل این­ دو است و این تابع این است كه عرف بگوید که نیاز به این تعامل و همکاری در این امر هست یا نیست، اگر نیاز هست **«وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**»، آن را هم می­گیرد و بعید هم نیست كه آن را بگیرد. اگرچه اين احتمال هم چندان غیرموجه نیست که بگوییم فقط دوره رضاع را در برمی­گیرد، ولی به‌هرحال بعید نیست آن را بگیرد.

 این دو جهت است که یک طیفی از نظریات را در اين آیه می­آورد كه اگر این دو را با هم ببینید، از نظریه­ای که بگوید «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**»، فقط دوره شیردهی و امر شیردهی را می­گوید تا آن نظریه­ای که می­گوید همه امور بچه را می­گیرد تا وقتی که نیاز به این همکاری و هماهنگی هست و بعد از دوره رضاع را هم می­گیرد که بعید نیست که ما این اطلاق را در آیه بپذیریم.

## جهت پنجم

جهت پنجم این است که آیا این حکم اختصاص به حال طلاق دارد؟ چون موضوع این آیات سوره طلاق و جایی است که نظام خانوادگی از هم پاشیده و خانواده­ای مبتلا به طلاق شده است و لذا آیا اين حکم مختص به زنان و مردان از هم جدا شده است و یا اينكه شمول دارد و دوره خانواده و ازدواج را هم می­گیرد؟

### الف: به لحاظ منطوق

به نظر می­آید که از نظر مدلول مطابقی آیه نمی­توانیم تعمیم بدهیم و منطوق آیه را نمی­شود تعمیم داد، بلکه منطوق آیه با احتمال اول مساعد و موافق است که احتمال اول این است که این آیه خطاب به زن و مردی است که از همدیگر جدا شده­اند. این ضمیر «کم» در «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**» و نیز همه قبل و بعد این ضمائر و خطاب­ها، به مردی است که زن را طلاق داده و لذا اطلاقی در ذات «کم» نیست و این تابع این است که ببینیم اين ضمير به چه کسی خطاب شده و مخاطب آن کیست؟

در این نوع موارد سیاق قرینیت دارد؛ زیرا ذات ضمیر خطاب و ضمیر غیاب همان مرجعی است که در آیه مشخص شده و لذا خطاب و منطوق آیه «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ»** متوجه زن و مردي است كه از هم جدا شده­اند و همه ضمایر قبل و بعد هم همین‌طور است. ضمیر فی حد نفسه هیچ مفهوم معینی ندارد که بگوییم اطلاق دارد و لذا مفهوم آن تابع همان خطابات قبل و بعدش است. اینجا سیاق کاملاً قرینیت دارد و به خاطر ویژگی که در ضمایر هست، مشارٌالیه و مخاطب را مشخص می­کند و لذا خطاب به زن و مرد از هم جدا شده است. این به لحاظ منطوق بود.

### ب: به لحاظ فحوا

ممکن است که اینجا فحوا و اولویتی را قائل بشویم و ادعا کنیم که اولویتی دارد. به این بیان که وقتی خطاب به زن و مرد از هم جدا شده است، این تأکیدي است بر حسن تعامل و مشورت در مقام اداره فرزند و شئون تربیتی فرزند و اگر اولویتی هم نباشد و یا حتي آنجایی هم که از هم جدا نشده­اند، باز هم باید در مسائل بچه تفاهم داشته باشند و با هم همکاری بکنند تا بچه خوب رشد بکند و خوب تربیت بشود و فرقی در اینجا ندارد و تأکید آیه در اینجا به خاطر حساسیت و آسیب­های ویژه­ای است که در آیه آمده است و الا اگر این حساسیت­ها نباشد، باز «وَ **أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ»** بر خوبي برخورد با فرزند دلالت می­کند.

 ممکن است بگوییم با القاء خصوص منطوق آیه این را نمی­گیرد، ولی با القاء خصوصیت و تنقیح مناط قطعی می­شود گفت كه نسبت به کل خانواده این را می­گیرد. اگر ما این تنقیح مناط و القاء خصوصیت را بپذیریم، آن وقت اين آیه به آيه «**قُوا انفسَکُم و اهلیکُم ناراً»** خیلی نزدیک می­شود، به علاوه اینکه بعد از طلاق را هم یک مقداری می­گیرد. درواقع می­گوید زن و مرد برای رشد فرزندشان در شیر و سایر اموری که به آن‌ها مربوط است، خوب است همکاری و مشورت کنند و حتی بعد از طلاق و قبل از طلاق هم طبعاً باید این‌طور چیزی باشد، البته من اول تعبیر به فحوا کردم، ولی بعد دیدم که می­شود مناقشه­ای در آن کرد، ولی القاء خصوصیتش خیلی قوی است؛ یعنی ارتکازات عرفی قطعاً با این مسئله مساعد است که بگوید حتي اگر طلاق ندادند هم باز اين مأموریت را دارند، منتهی چون کمی به صورت طبیعی حاصل می­شود، تأکید نشده است و به آن بخشی که آسیب دارد و یک مقدار زمینه­های عدم تعامل وجود دارد، تأکید شده است و الا نمی­خواهد قبلش را نفی بکند، بلکه هیچ فرقی ندارد و با القاء خصوصیت این حق و وظیفه و ولایت تربیتی برای پدر و مادر ثابت است و هر دو باید با تفاهم این کار را انجام بدهند و نکته مهم هم آن تفاهم و تشاور و تعامل است که این آیه حتی بعد از طلاق روی آن تأکید دارد. احتمال دارد کسی بگوید که احتمال ضعیفی دارد که آیه «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**»، خطاب به زن و مرد جدا شده نیست، بلکه به زوجین است، چه جدا شده باشند و چه جدا نشده باشند که البته اين احتمال ضعیف است.

من تا قبل از اینکه اولویت را بگويم در ذهنم فحوا بود و القاء خصوصیت آن بعید نیست، ولی حالا اولویت آن با شماست.

# نتيجه

با بيان اين جهات تا اينجا به اين نتيجه مي­رسيم كه ازلحاظ موضوعی و محدوده دلالت آیه این است که آیه می­فرماید که مشاوره و هماهنگی و همکاری زن و مردي که از هم جدا شده­اند، به منظور سرپرستی بچه در شئون مختلف ـ تا وقتی که به این سرپرستی و تعامل نیاز است ـ ضروري است و هم‌چنین گفتیم که این وظیفه نسبت به پدر و مادری هم که از هم جدا نشده­اند، با القاء خصوصیت ثابت می­شود و شمول پیدا می­کند و حاصل اين قصه ـ اگر از این عقبات و وجوه مختلف عبور بکنیم ـ یک اصل بسیار مهم می­شود و آن اصل کلی خانوادگی، همان تعامل در معروف و رشد و پرورش فرزند است. گاهی کسانی بعد طلاق هم خیلی احترام همدیگر را نگه می­دارند و حقوق بچه را هم رعايت مي­كنند.

اين حقوق گفتیم در زمانی که جدا شده­اند، به‌طریق‌اولی ثابت می­شود، البته ما گفتیم که همه روابط زن و مرد را می­گوید، ولی بیشتر آن نکاتی است که روی تربیت فرزند تأثیر دارد و تکیه هم روی آن جهت شئون فرزند است و همه شئون او را هم می­گیرد. آیه می­گوید اگر در مورد رضاع سختی پیدا شد، فرد دیگری بچه را شیر دهد، ولی «**وَ أتَمرُوا**» فقط می­خواهد بگوید که رضاع مورد است، نه مورد مخصص. بله اگر به جای واو در «**و إن تَعاسَرتُم فَسَترضَعُ له أخری**»، «فاء» بود، مورد مخصص بود، ولی واو است، پس مورد هم مخصص نیست.

## جهت ششم

جهت ششم این است که شمول آیه نسبت به شئون آموزشی است.

این را من جدا کردم تا به بحث خودمان ربط پیدا بکند و الا در بحث­های قبلی بوده است؛ زیرا با بحث ما ارتباط دارد. بحث ما فعلاً در نقش و وظائف آموزشی خانواده است که در «**قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نارا**»(تحریم/6) گفتیم شأن کلی تربیتی است، ولی شئون آموزشی را هم توجه دارد. در اینجا هم ازآنجاکه ما به اطلاق در آیه «و اتَمرُوا» قائل شدیم و آن را به رضاع اختصاص ندادیم، طبعاً شئون آموزشی و شئون تربیتی را هم شامل می­شود. آن آموزش­هایی که باید به بچه داده شود که گفتیم اين آموزش­ها اختصاص به رضاع ندارد و لذا وقتی شمول پیدا کرد، شامل دوره­اي هم مي­شود كه بچه به بلوغ برسد و شرایط زندگی­اش سامان پیدا کند و مستقل بشود و شئون آموزشی او را هم می­گیرد؛ یعنی اینکه حمد و سوره یادش بدهند و آداب و سنن اجتماعی و ساير آموزش­های لازم را كه بالطبع در آیه «**وَ أتَمرُوا بینَکم بِمعروفٍ**» وجود دارد، به او آموزش دهند تا بچه در شئون آموزشی هم رشد پیدا بکند و لذا با اطلاقی که در آیه قائل شدیم و القاء خصوصیتی که کردیم و اولویتی که گفتیم و محدوده کلی را بيان نمودیم.

## جهت هفتم

جهت هفتم، بحث حکم است تا اینجا بحث­ها موضوعی بود و از این به بعد دیگر راجع به حکم است. جهت هفتم این است که این «**وَ أتَمرُوا**» واجب است، یا مستحب؟

با القاء خصوصیت و با اولویت براي آیه یک معنای عامی قائل شدیم و همکاری و مشورت پدر و مادر را، چه قبل از طلاق و چه بعد از طلاق، در پرورش جامع فرزند ضروري دانستيم و اين اصل نتيجه­اي است كه گرفتیم.

# تفاوت اين آیه با دیگر آیات و روایات

نکته مهمی که می­شود روی آن تأکید کرد، این است که فرق این آیه با آیه «**قُوا أَنفسَکُم و اهلیکُم ناراً**» و یا با رواياتي مثل «**أَدِّبُوا أَوْلَادَكُم‏**»[[1]](#footnote-1) و **«علِّمُوا اولادَکم القرآنَ**» و همه آن آیات و روایاتی که وظایف تربیتی و آموزشی را به شانه پدر و مادر گذاشته است، این است که این آیه تعامل و همکاری و همفکری و هماهنگی در تربیت را تأکید می­کند و این غیر از اصل وظائف تربیتی است و این مسئله را در جهت هفتم و قبل از بیان حکم باید توجه كنيم و بدانیم که تفاوت این آیه و اصل این آیه با آیه قبل و سایر آیات و روایات در باب تربیت خانوادگی چیست. تفاوتش این است که ما دو اصل در اینجا داریم:

## اصل اول: اصل وظائف تربیتی و آموزشی پدر و مادر

به اين اصل در خیلی جاها اشاره شده است.

## اصل دوم: اصل لزوم همفکری و هماهنگی

آنجایی که آیه می­فرماید «**قُوا أَنفسَکُم و اهلیکُم ناراً**»، گفتیم خطاب هم به مرد است و هم به زن. به او می­گوید: «**قُوا وَلدُکُم عنِ النّار**»؛ یعنی «**علِّمُوهُ القرآن، علِّمُوهُ الصّلوة، أدّبُوهُ به آدابَ الحسنه»**.

همان‌طور که بیان شد به مادر هم همین را خطاب می­کند، اما این آیه شریفه به زن و مرد چه طلاق گرفته باشند و چه با هم زندگی کنند، تأکید می­کند که در رابطه با آنچه که بر دوشتان گذاشته شده است، همکاری بکنید؛ زیرا که این وظائف نیاز به همکاری شما دارد و چقدر هم جالب و قشنگ است، دو اصل هستند که به هم پیوسته و مکمل هم مي­باشند.

## ثمرات دو اصل

بنابر اين دو اصل، معروف هم همان دو احتمالي كه دادیم مي­شود:

یکی اینکه شیوه تعاملتان خوب باشد؛ یعنی خوب تعامل بکنید.

دیگري متعلق تعاملتان است كه اگر احتمال متعلق بگیریم، در این صورت معروف همان وظائفی مي­شود که در قرآن و حدیث هم گفته شده است؛ یعنی در آن معروف و وظائفی که به دوشتان هست، همکار بکنید. اگر هم بگوییم که به خود مشورت برمی­گردد؛ یعنی همکاری خوبی انجام بدهید.

## نتيجه

نتیجه اين بحث، حکمی است كه جهت هفتم بحث ماست و آن این است که یک سلسله وظائف آموزشی و تربیتی به عنوان اصل اول بر دوش خانواده و والدین نهاده شده است كه یک بخش آن واجب است و بخش دیگرش مستحب است؛ و صلی الله علی محمد و آله الاطهار

1. - من لا يحضره الفقيه، ج‏3، ص: 493. [↑](#footnote-ref-1)